

## نگاهی دوباره به گربه و موش شیخ بهایی

محسن محمدی فشارکی<sup>۱</sup>/فاطمه قیومیان محمدی<sup>۲</sup>

### چکیده

دودمان صفوی که خود از دل تصوّف جوشیده و بر مبنای صوفی‌گری قوام گرفته بود، پس از چندی از قدرت طلبی مقامات صوفیه بیمناک شد و خود به تقابل با آن‌ها برخاست. به طوری که به تدریج تصوّف را عقب راند و صوفیان بی‌شماری را از اصفهان تبعید کرد. از سوی دیگر همزمان با این نوع برخورد دولت با تصوّف و صوفیان، گروهی از علما نیز رو در روی متصوّفه قرار گرفتند و در ردّ و تکفیر این گروه کتب و رسالاتی نگاشتند. شیخ‌بهایی یکی از برجسته‌ترین علمای این دوره است که برخی رساله گربه و موش او را نمونه‌ای از همان رسالات ضدّ تصوّف به شمار آورده‌اند، در حالی که با تأمل در این اثر، روشن می‌شود که هیچ‌گونه گرایش جانبدارانه نسبت به گروهی یا ردّ و انکار گروهی دیگر را، از خلال این اثر، نمی‌توان به شیخ بهایی نسبت داد.

**واژگان کلیدی:** صوفیه، تصوّف، شیخ بهایی، موش و گربه، نقد منطقی.

---

۱ - عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

۲ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی.